



## واکاوی نمادهای مقدس بودیسم در سیر تحولات مذهبی-هنری خراسان بزرگ

شادی جمشیدپور<sup>۱</sup>

۱. مدرس دانشگاه، گروه کارشناسی ارشد تصویرسازی، مؤسسه آموزش عالی غیر دولتی، غیرانتفاعی فردوس، مشهد، ایران

نویسنده مسئول: artnegar.sh@gmail.com

### چکیده:

انسان‌ها از آغاز تا کنون به نمادهای مقدس و دینی، با احترام ویژه‌ای می‌نگریستند. نیاز آدمی به اسطوره‌سازی و انتساب مکان‌هایی زینتی و متمایز برای انسان‌های برگزیده موجب شد، مقبره‌ها، زیارتگاه‌ها و هنرهای آیینی و کاربردی با بروز نمادهای دینی و مقدس در زندگی بشریت شکل بگیرد. نواحی مرکزی و شرقی آسیا به دلیل پهناوری و ریشه‌های مشترک اعتقادی و با پیدایش راه ابریشم هرچه بیشتر در هم تنیده شدند. حضور بودا را باید به عنوان پیامد یا میلی بر آغاز برخی تفکرات و تصورات در هنر شرق دانست که سرزمین گسترده ایران و خصوصاً خراسان بزرگ نیز از این تغییر و تأثر به دور نمانده است. اینکه پیشینه این نقوش به کدام دوره منسوب است و علت پیدایش و تأثیرپذیری این سرزمین متمدن از فرهنگ مهرپرستی و مذهب اسلامی چگونه بوده است، مسئله‌ای است که در این پژوهش سعی شده به آن پرداخته شود. به این منظور، تلاش شده است که ضمن بررسی تحولات تاریخی، فرهنگی و اقتصادی خراسان بزرگ و با استفاده از متون معتبر و مشاهدات میدانی و کتابخانه‌ای از منظر آثار تاریخی و باستان‌شناسی بر جای مانده به تاریخ هنر خراسان و تأثیرات ناشی از آیین بودیسم در منطقه پرداخته شود.

کلمات کلیدی: واکاوی هنر، خراسان بزرگ، هنر ایرانی-اسلامی، نمادهای دینی، بودیسم.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

## ۱. مقدمه:

«واکاوی» و نقد هنر، زیرشاخه‌ای از فلسفه و تئوری شناخت، تجزیه و تحلیل آثار و پیامدهای آن می‌باشد. هنر به مثابه تعامل با اقوام و ملل دیگر، همواره به سعی در درک و بسط افق دید خویش بوده است و به این رهگذر میراثی از جلوه‌ی تلاش و اندیشه‌های بارور شده بشری را همچون میراثی گرانبه در ابعاد گوناگون به منصفی ظهور می‌رساند. نمادهای دینی و باورهای اعتقادی یکی از گسترده‌ترین قلمروهای نظریه‌پردازی و تفکر نظری و از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری تحولات معرفتی و اندیشه بشری بوده است و این دو مقوله هیچگاه از یکدیگر جدا نبوده‌اند. کمتر عرصه‌ای در جهان اجتماعی می‌توان یافت که در مسیر واکاوی و تبیین مسئله، بدین حد برای محققان و اندیشمندان و حتی سیاستمداران با اهمیت، جذاب و قابل توجه باشد. علوم انسان‌شناختی و جامعه‌شناسی به دلیل ارتباط تفکر دینی با تجربیات انسانی از گذشته فکری و روحی او، به واقع علل علمی و روانشناسانه دین را مورد کندوکاو قرار داده‌اند (جمشیدیپور، ۱۳۹۸: ۲۷). در این راستا نظریه‌پردازان بسیاری بر اساس شرایط و نیازهای اجتماعی بشر، تعاریفی از دین ارائه نموده‌اند (جمشیدیپور، ۱۳۹۹: ۲). «امیل دورکیم»، نظریه‌پرداز دینی، در کتاب صور بنیانی حیات دینی به این مسئله اشاره دارد که: «دین به حد اعلاای اجتماعی و وابسته به جامعه است و آن را علت و دین را معلول می‌داند» (شریفیان ثانی، ۱۳۹۵: ۵۰).

اصل موضوع جامعه‌شناسی این است که هیچ نهاد بشری را نمی‌توان یافت که بر پایه خطا و دروغ نهاده شده باشد؛ چرا که اگر این گونه بود نمی‌توانست ادامه یابد (دورکیم، ۱۳۸۳: پیشگفتار). نهاد بشری اگر بنیاد و ریشه‌اش در طبیعت امور نباشد، بی‌گمان به مقاومت‌هایی برمی‌خورد که توانایی چیره شدن بر آنان نیست. دین در بیشتر موارد با تعریفی بی‌شعبه بر واژه «خدا» دلالت دارد. به زبان ساده‌تر خدا مدلولی برای دین است که گاه به عنوان موجودی فراطبیعی جلوه‌گر می‌شود و گاه در کهن‌الگوها از آن یاد می‌کنیم؛ اما آن چه که روشن و واضح است، حضور خدا به عنوان تصویر و نمادی از خلقت در همه ادیان است. همان طور که می‌دانیم نمادشناسی، بنیادی‌ترین وجه شناختی دین و اسطوره است و زبان بیان اسطوره نماد است (لاجوردی و بابایی، ۱۳۹۰: چکیده). هر علامت، نشانه یا تصویری که بر سطح درخت یا صخره و سنگی در گذشته حکاکی یا نقاشی شده، بیانگر یک مفهوم یا مقصود و کارایی خاص بوده است. بر همین اساس می‌توان نمادها را به لحاظ کاربردی به شکل زیر تقسیم‌بندی کرد:

- نمادهای حکومتی و سلطنتی که نشان از مقام و منزلت و یا بزرگی دولت و حکومت بوده است.
- نمادهای دینی و آیینی که بر اساس اعتقادات و مذاهب، یا اشخاص، روحانیان و حکما حک می‌گردید.
- نمادهایی متعلق به اقوام، کلان و گروه‌های جمعی که نشانه‌از توتّم و باورهای آنان بود.
- نمادهای هنری و تزئینی که در هر دوره کاربردهایی مختص به خود داشته و بر روی البسه، معماری، اشیاء و لوازم مصرفی و ابزار شکار یا جنگ و... ایجاد می‌شده است (بابایی و لاجوردی، ۱۳۹۰: ۵).

سرزمین گسترده ایران به واسطه استعداد ذاتی در پرورش هنر و بیان اندیشه شرق و موقعیت جغرافیایی ویژه خود که به واسطه حضور راه ابریشم، تبادلات منطقه‌ای وسیعی را تجربه می‌کرد و همواره مورد توجه دول خارجی و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از آن‌ها بود. در این بین، منطقه خراسان بزرگ نه تنها دستخوش تبادلات فرامنطقه‌ای اقتصادی و سیاسی شد، بلکه بر اساس مستندات باستان‌شناسی مهم‌ترین عامل تحولات فرهنگی، هنری و مذهبی در سرزمین‌های همسایه نظیر هند، چین، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان (که بسیاری از آن‌ها بخش عمده‌ای از خراسان بزرگ را تشکیل می‌دادند) بوده است.



## ۲. روابط ایران با دول خارجه:

ایران قدیم و آریان‌های ایرانی، همواره در صدد بسط و گسترش تمدن بشری بودند و این اقدام را با یک نظر سطحی به نقشه گسترده آسیا، اروپا و آفریقا، می‌توان محقق دانست. ایران قدیم به ویژه از راه مشرق زمین و جاده ابریشم، مسیر تجارت بین‌المللی و مهاجرت مردمان تازه نفس، نزدیک کردن راه‌های دریایی و تمدن در شرق را بوجود آورد و خود را همچون سدهای قدرتمند در مقابل اقوام شمال شرقی همچون سکاها، ماساژت‌ها، یوئه‌چی‌ها، هون‌ها و ... قرار داد. به این علت توانست آسیای شرقی، وسطی و هند را به دنیای غربی اتصال دهد؛ اما این پل ارتباطی مذاهب هندی، معتقدات ملل آسیای غربی و عقاید فلاسفه یونان نظیر افلاطون و ارسطو را در مهرپرستی و مذهب ایرانی ترکیب نمود و رنگ مانوی یافت که این خود به سایر ملل صادر شد. در دوره ساسانیان، تجارت رونق بیشتری یافت، قالی‌های بابل (در آن زمان بابل جزئی از ایران بود)، لوازم آرایش چهره ایرانی، ادویه، سنگ‌های قیمتی و مروارید دریای جنوب در چین خریداران بسیاری داشت و از طریق هند این مراودات انجام می‌شد (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۶: ۲۰۳-۲۳۰). پیش از اسلام، چند مذهب مهم، ریشه‌های آیینی ایران را تقویت نمود و از سمت شرق بیشترین تأثیر را بر سرزمین خراسان گذاشت:

- **مذهب زرتشتی:** در دوره ساسانیان این مذهب، رسمی شد.
- **مذهب مانی:** در دوره شاپور اول دین خود را آشکار نمود و به عنوان دینی جهانی صادر شد.
- **مذهب مزدک:** پسر بامداد و از اهالی نیشابور که تصویری عارفانه و نزدیک به عقاید مانی داشت.
- **مذهب مهرپرستی:** در زمان اردشیر دوم هخامنشی مهر از سوی خدا ماموریت یافت و رب‌النوع آفتاب نامیده شد.

در دوره ساسانی علاوه بر مذاهبی که در داخل ایران پدید آمد، دو مذهب مهم دیگر به دلیل روابط ایجاد شده، از خارج سرایت کرد: عیسوی از سمت غرب و بودایی از سمت شمال و شرق.

- **مذهب عیسوی:** یزگرد با مسیحیان با مهر رفتار می‌کرد و کلیساها هرچه بیشتر تاسیس شدند. به همین جهت، او از سوی روحانیان زرتشت به گناهکار بودن محکوم شد.
  - **مذهب بودایی:** عسگری پاشایی، شرق شناس ایرانی در کتاب بودا آورده است: «خراسان گذشته، خاصه بلخ را به اعتبار وجود معبد نوبهار می‌توان سرزمین بودایی دانست. بوداییان در این معبد در برابر مجسمه بودا به نماز می‌پرداختند. به گفته علی بن حسین مسعودی، این معبد دینی دارای موقوفات زیاد بوده و پرده‌دار آن را برمک می‌نامیدند». نوبهار در بلخ که برخی مورخان عرب آن را آتشکده پارسی می‌دانستند و فارسی شده کلمه نووهار (دیر نو) در زبان افغانی می‌باشد، دیر بودایی بوده است. همچنین در زمان خلافت هارون الرشید، خانواده برمکه مقامی عالی داشتند و اسم خود را از لقب برمکه که رییس دیر بودایی بود گرفتند. امروزه این معبد به مسجد نه گنبد مبدل شده و هیچ آثاری از آن دوران باقی نیست.
- محققان پس از جستجو در عقاید مذهبی آریاییان ایرانی به این نتیجه رسیدند که مردمان اعصار قبل از تاریخ، خدایان و رب‌النوع‌ها را پرستش می‌نمودند؛ حتی اگر هرمزپرستی هم در باور آن‌ها داخل بود اما هنوز به مرتبه اعتقاد به خدای یگانه نرسیده بودند؛ اما در قرون بعد با ورود زرتشت به آیین آریایی، توحید جایگاه خود را در ادیان ایرانی یافت. چنان که از تاریخ معلوم است سومری‌ها، اکدی‌ها، کلدانی‌ها، آسوری‌ها، فینیقی‌ها، مصری‌ها و ... به استثنای مردم بنی اسرائیل بت‌پرست یا الهه‌پرست بودند و مشخص است که هیچیک از این همسایگان نتوانستند یگانه‌پرستی را به آیین ایرانیان وارد کنند و حتی وقتی اسکندر به ایران آمد یونانی‌ها و مقدون‌ها به برتری معتقدات



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

مذهبی ایران قدیم با نظر احترام نگرستاند (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۶: ۲۱۳). همچنین آریان‌های هندی نیز با اینکه هیچ ارتباطی با بنی اسرائیل نداشتند به توحید رسیدند و آدابی از این دین در ایران یا هند مشاهده نمی‌شود.

## ۳. لشکرکشی هولاکو خان به ایران و سرآغاز حضور بودا:

در عصر استیلای مغول به خصوص پس از لشکرکشی هولاکو و تاسیس سلسله ایلخانیان و توجه آن‌ها به ابنیه و عمارات صنایع به خصوص نقاشی تحت تأثیر مستقیم چین قرار گرفت و علت عمده این امر، اول علاقه ایشان به زنده نگاه داشتن آداب مغولی حتی با وجود قبول اسلام و دیگری انتقال هنرمندان چینی به ایران به امر ایلخانیان بود. در نتیجه این رفت و آمد، سبک هنری اسلامی-چینی، در نحوه طراحی و رنگ‌آمیزی و حتی ورود برخی صورت‌ها و حیوانات مانند اژدها و حیوانات افسانه‌ای به نقاشی افزوده شد که در دوره تیموریان به اوج خود رسید. علاوه بر نقاشی این سبک در ساخت ظروف سفالین، کاشی کاری، منب در، چوب و نقره و بافت پارچه رواج یافت، چنان‌که کارگاه‌های متعدد بافت پارچه‌های زربافت در گرجستان، مرو، توس، نیشابور و ... رونق گرفت. از زمان هولاکو، روابط بین ممالک اسلامی مرکزی و غرب آسیا با چین رو به افزایش رفت و متمدن‌ن چینی و ایرانی به سرزمین‌های یکدیگر رفت و آمد نموده و معلومات و هنرهای یکدیگر را آموختند و این مسئله باعث شد معماری اسلامی دوره سلجوقی و بنی‌عباس به چین نفوذ کرده و معماری چینی به ایران صادر شود. یکی از سبک‌های معماری چینی که بیشتر در میان مسلمین تأثیر کرده است، شکل گنبد‌ها در مقابر و مسجدها می‌باشد که از معابد چینی و بودایی تقلید شده است. نمونه دیگر استفاده فراوان از رنگ آبی شفاف در کاشی کاری و پوشاندن بیرون گنبد‌ها از کاشی‌های کبود براق است که برداشتی از هنر بودایی و معابد این مذهب را نمایان می‌کند (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۶: ۷۶۸-۷۷۳). «کانیشکا» یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های تاریخ بودایی‌گری است. فتوحات او باعث گسترش بوداییسم شد و بودایی‌گری را به دین غالب راه ابریشم بدل ساخت. نخستین ترجمه‌های آثار بودایی به زبان چینی در این دوره اتفاق افتاد.

## ۴. خراسان بزرگ:

خراسان در دوره‌های مختلف تاریخی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین حوزه‌های فرهنگ، هنر و تمدن ایران‌زمین، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. این منطقه در قدیم شامل ماوراءالنهر (شمال جیحون تا کاشمر و خوارزم) و نیز سرزمین‌های جنوب تا ری را شامل می‌شد. ساسانیان خراسان را یکی از چهار استان کشور می‌دانستند و آن را سرزمین شرق می‌گفتند. این استان به چهار بخش تقسیم می‌شده که بنا به روایت این بخش‌ها عبارت بودند از: مرو، نیشابور، هرات و بلخ که گویا شامل ماوراءالنهر و باختر می‌شد. این گستره جغرافیایی پس از ظهور اسلام در ایران، دربردارنده ادیان مختلفی بود که پس از گرایش مردمان آن به دین اسلام، سنت‌ها و موارث فرهنگی و هنری خود را حفظ کرده و در قالب دین جدید (اسلام)، به آن رشد و اعتلا بخشیدند. از این رو خراسان به‌عنوان یکی از مراکز بزرگ فرهنگی قبل از اسلام در شرق کشور، در تعامل با بینش اسلامی، با حفظ و انتقال موارث فرهنگ ایرانی، مسبب غنای هنر ایران در دوره‌های بعد شد. تبلور این تعامل را می‌توان در سفالینه‌های نیشابور به‌جای مانده از قرون چهارم و پنجم هجری مشاهده کرد که عناصر و نمادهای هنر قبل از اسلام با عناصر، نمادها و مضامین هنر اسلامی آمیخته گشته و سبب تمایز و تشخیص آثار هنرمندان این دوره از معاصرین



# نقشه خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

خود در سایر بلاد اسلامی شده است (هاشمی، ۱۳۹۴). شواهد تاریخی بیانگر آن است که سرزمین خراسان در طول تاریخ، هیچ‌گاه دارای مرز ثابت جغرافیایی نبوده و تحت تأثیر عوامل مختلف، محدوده‌اش همواره کاهش یا گسترش یافته‌است.

هنگامی که آریایی‌ها از مرز خراسان به ایران آمدند، به سه شاخه مادی، پارسی و پارتی تقسیم شدند؛ مادها به شمال غرب و غرب ایران رفتند، پارس‌ها در جنوب و جنوب غربی سکنی گزیدند و پارت‌ها نیز در خراسان باقی ماندند. ابتدا مادها با به دست گرفتن قدرت سیاسی، سلسله ماد را بنیان نهادند و سپس پارس‌ها سلسله هخامنشی را تأسیس کردند. امپراتوری آنها پس از ۲۲۹ سال به دست اسکندر مقدونی واژگون شد و اندکی بعد حکومت بیگانه و غیرایرانی سلوکیان سراسر ایران را تحت سلطه خود گرفت. نخستین نشانه از مقاومت و جنبش ایرانیان در برابر سلوکیان در خراسان یعنی سکونتگاه پارت‌ها دیده شد. پارت‌ها از حدود سال ۲۵۰ پیش از میلاد به رهبری دو برادر به نام‌های ارشک و تیرداد قیام خود را از خراسان آغاز کردند و به تدریج سلوکیان را از تمام ایران بیرون راندند. پایتخت پارت‌ها که سلسله اشکانیان را شکل دادند. شهر بزرگ صدروزه در حدود دامغان در مرز خراسان بود اما بعده‌ها به سبب آن که مرزهای غربی دولت اشکانی مورد هجوم رومیان واقع شد، مرکزیت سیاسی نیز به بین‌النهرین انتقال یافت تا ستاد فرماندهی به صحنه جنگاوری نزدیک‌تر باشد. وقتی اعراب مسلمان بر ایران مسلط شدند، خراسان چهار بخش یا ربع داشت و چهار شهر بزرگ آن یعنی نیشابور، مرو، هرات و بلخ مرکز هر یک از این ربع‌ها بودند. بنابراین وقتی از خراسان تاریخی سخن می‌گوییم باید بدانیم که به وسعت امروزی خود داخل مرزهای ایران محدود نمی‌شود و بخش عمده‌ای از کشورهای افغانستان و ترکمنستان را دربرمی‌گیرد و اگر از نظر زمانی تا دوره باستان به عقب برویم، بازهم بزرگ‌تر می‌شود و بخش‌هایی از کشورهای تاجیکستان و ازبکستان را شامل می‌گردد (تصویر ۱).



تصویر ۱- نقشه خراسان و چهار ربع تاریخی و اصلی آن به لحاظ گستردگی

[http://sq.picofile.com/file/۸۳۴۶۰۴۰۱۴۲/The\\_Great\\_Khorasan\\_Of\\_Iran.jpg](http://sq.picofile.com/file/۸۳۴۶۰۴۰۱۴۲/The_Great_Khorasan_Of_Iran.jpg)

دیرین شناسان ایرانی و فرانسوی در کناره‌های کشف رود (حدود ۴۰ کیلومتری مشهد) ابزارهایی مانند ساطور و تیغه را یافته‌اند که در شمار نخستین دست ساخته‌های بشر قرار می‌گیرند و قدمتی بین هشتصد هزار تا یک میلیون سال دارند. بدین ترتیب قدیمی‌ترین ردپای انسان ابزارساز در ایران و از آن فراتر در جنوب غرب آسیا در خراسان دیده شده است (تصویر ۲). شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که از حدود هفت‌هزار سال پیش مناطق شمالی خراسان مانند درگز و دشت مشهد مسکون بوده‌است و ساکنان این مناطق دست‌کم از پنج‌هزار سال پیش توانایی احداث تاسیسات آبیاری، مفرغ‌کاری، کشت نباتات، ساخت خانه‌ها و بناهای عمومی و ایجاد کارگاه‌های صنعتی را دارا بوده‌اند (تصویر ۳).



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی



تصویر ۲- سنگ نگاره‌های باستانی شترسنگ خراسان- فاصله سه کیلومتری شما طبقه

<https://img9.irna.ir/old/Image/۳۹۷/۳۹۷۰۱۱۹/۸۲۸۸۰۴۰۴/N۸۲۸۸۰۴۰۴-۷۲۲۷۶۵۰۱.jpg>



تصویر ۳- منطقه تاریخی بندیان درگز

<https://iranwonders.com/images/articles/Bandivan/۱۷.jpg>

پایتخت پارت‌ها که سلسله اشکانیان را شکل دادند شهر بزرگ صدروازه در حدود دامغان در مرز خراسان بود اما بعدها به سبب آن که مرزهای غربی دولت اشکانی مورد هجوم رومیان واقع شد مرکزیت سیاسی نیز به بین‌النهرین انتقال یافت تا ستاد فرماندهی به صحنه جنگاوری نزدیک‌تر باشد.

## ۵. سلسله اشکانیان (پارتیان):

یکی از باشکوه‌ترین دوره‌های باستانی ایران که ۵۰۰ سال بر ایران حکومت نمود سلسله «اشکانیان» بود. آن‌ها توسط اقوام شرقی ایرانی و کوچ‌نشین به نام «پرنی» به سلطنت رسیدند. پرنی‌ها از اتحادیه قبایل شمال شرقی ایران تحت عنوان



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

«داهه» (ظاهراً از اقوام سکایی بودند)، محسوب می‌شدند و برای اولین بار خراسان بزرگ را به‌عنوان مقر اصلی حکومت خویش در نظر گرفتند و سپس در مرکز و غرب ایران امپراتوری خود را گسترش و بنا نهادند (تصویر ۴). در این دوره تحولات عظیمی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و به ویژه هنر و مذهب پدید آمد اما به دلیل حضور مغولان و از سوی دیگر تخریب عمدی در دوره ساسانیان، بخش عمده‌ای از هنر این منطقه مبهم و مخدو شد. جز چند نمونه منحصر به اشکانیان از نوشته‌های روی پوست و تعدادی کتیبه‌ی کوتاه و سفالینه که در نسا کشف شد، آثار موقوت دیگری در دست نیست (ظهوریان، ۱۳۹۲: ۸۴). به گفته هرتسفلد: «با قراردادن چند سند تاریخی در کنار هم به این نتیجه رسیده ایم که شهر توس یکی از پایتخت‌های پارتیان می‌باشد و همان شهری است که امروزه آن‌را مشهد می‌نامند» (یارشاطر و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۸). در بخش وندیداد کتاب اوستا (این بخش از کتاب در دوره اشکانیان نوشته شده است)، فصل اول چنین آمده است: «پنجمین کشوری که من اهورامزدا آفریدم نیساید می‌باشد که در میان بلخ و مرو واقع شده است» (ظهوریان، ۱۳۹۲: ۸۴).

## ۶. سلسله مائوریا:

سلسله «مائوریا» (موردیای هند) بعد از سقوط امپراتوری هخامنشی بدست اسکندر یونانی در هند روی کار آمد که بر تمامی شبه‌قاره هند و بخش‌هایی از افغانستان، پاکستان و ایران کنونی سلطه داشت. بزرگترین شاه سلسله موریای هند «آشوکا»، نوه چاندارگوپتا نام داشت. وی سراسر هند و افغانستان را به تصرف خود درآورد و در ترویج کیش بودا تلاش فراوان کرد. این امپراتوری از شمال به مرزهای طبیعی رشته کوه‌های هیمالیا و از شرق به جنگل‌های انبوه آسام در بنگال و برمه کنونی، و از غرب به بلوچستان و افغانستان کنونی شامل استان‌های کنونی هرات و قندهار و از جنوب به نزدیکی سریلانکا می‌رسید (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۱). معماری دوران هخامنشی در ایران تأثیر زیادی بر معماری دودمان «موریایی» در هند گذاشته است که از جمله این تأثیرات می‌توان به سرستون چهارشیر کاخ آشوکا اشاره کرد (تصویر ۵). آشوکا تحت تأثیر سنگ نوشته‌های پادشاهان هخامنشی ایران و با الهام از آن‌ها دستور می‌داد تا فرمان‌هایش را بر سنگ‌ها و ستون‌ها و درون غارها بنگارند (خواجه گیر و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۸). سنگ‌نبشته‌ها، ستون‌نوشته‌ها و غارنوشته‌های وی در بیش از سی جایگاه در هند، پاکستان و افغانستان باقی مانده است (تصویر ۵). آشوکا در ترویج آیین بودایی کوشید. از زمان آشوکا، دین رسمی کشور بودایی بود که در آن همه ادیان آزاد بودند تا به مناسک خود پردازند (ولایتی، رحیم ۱۳۹۳).



تصویر ۶- سنگ‌نوشته ریاطک افغانستان سلسله کوشانی، زبان بلخی



تصویر ۵- خط پهلوی دوره اشکانی در شهر نسا



<https://iranatlas.info/sassanid/images/sa۵۰.jpg>

<https://cdn.avapress.com/fr۳/ad/fr۳adbd۷۴۸eb۴۹۸۶ee۰۹۰۸d۸۶۶۴۷۲۹۸۰۵۴۴۳۹۰۰.jpg>

## ۶. آیین بودا:

مؤلفان، «بودا» را با برخی از پیامبران یکی دانسته‌اند، چنانکه برخی او را همان «ذوالکفل» می‌دانند و سوگند به انجیر را در سوره تین، اشاره به درخت انجیری می‌دانند که بودا در زیر آن به تفکر و مراقبه پرداخته بود. در متون اسلامی نیز داستان پادشاهی حکایت شده است که در عصر ذوالکفل، مانند بودا ترک پادشاهی کرد و به پارسیان پیوست که با توجه به تأثیر آیین بودا بر «مانی»، با نظریه‌ای که صابئین را پیروان مانی می‌داند بی ارتباط نیست (عطار، ۱۳۶۸). با توجه به اینکه آیین بودا به فقر، زهد و ریاضت و از میان بردن منیت معطوف است، شباهت‌هایی میان عارفان و صوفیان مسلمان وجود دارد. برخی از این شباهت‌ها می‌تواند نشانه تأثیر این آیین بر تصوف اسلامی باشد. بخصوص با پیشینه کهن این آیین در شمال و شرق ایران از دوره سلوکی و اشکانی تا زمان فتوحات اسلامی، می‌توان احتمال داد که اعتقادات و سنن بودایی ابتدا در صوفیه خراسان منعکس و سپس از طریق آن به تصوف اسلامی وارد شده است. با این‌همه حضور راهبان جهانگرد بودایی در عهد بنی‌امیه و بنی‌عباس، از خراسان تا عراق و شام نشان می‌دهد که ریشه این اعتقادات هرچه بوده، از طریق آن به تصوف اسلامی وارد شده است (سمنانی، ۱۳۶۲).

نفوذ فرهنگ و هنر هند که در آن ترسیم خدایان مرسوم بود و نیز تأثیر هنر ایرانی برجای مانده از دوره آشوکا و همین‌طور پیکرنگاری رومی-یونانی که از طریق ایران به هند سرایت کرد، در مجسمه‌سازی بودایی در نواحی شمال غربی هند تا افغانستان (قرن سوم و چهارم میلادی) مؤثر بود. در آستانه همین داد و ستدهای فرهنگی-هنری اقوام تاتار که بودایی، مانوی و مسیحی بودند؛ نقاشی عهد ساسانی را از معلمان ایرانی خود اقتباس کرده و کتب، آثار و ابنیه مذهب خود را با همان سبک تزیین نمودند. این سبک نقاشی بعد از استیلای مغول بر ترکستان شرقی از طریق مغولان به چین رفت و پس از تغییراتی در عهد تسلط مغولان دوباره به ایران بازگشت و به این ترتیب سبک نقاشی و تذهیب عهد مغول، تیموری و صفوی شکل گرفت. البته برخی معتقدند که تأثیر هنر بودایی و مکاتب آن بر نقاشی ایران به پیش از دوره مغول می‌رسد. به هر صورت، نفوذ هنر بودایی در نقاشی ایران (در دوره مغول) به دو طریق تحقق یافت:

- هنرمندان چینی که از سوی حکام مغول راهی ایران شدند، نظیر هنرمندانی که «ارغون» برای نقاشی دیوارهای معابد بودایی از آن‌ها دعوت کرد.
- سفرهای هنرمندان ایران به چین، مثل «غیاث الدین نقاش» که همراه سفیر «شاهرخ تیموری» به چین رفت.

در نقاشی‌های ایرانی، نمودهایی از فرهنگ و هنر بودایی دیده می‌شود، از جمله تصویر زیبارویانی با چشمان بادامی، ابروانی کمانی و لبخندی آرام بخش که نشانه تأثیرپذیری از شکل ظاهری بت‌های بودایی است. همچنین بسیاری از کتاب‌هایی که فرهنگ بودایی را منعکس می‌نماید با نقاشی زینت یافته است؛ از جمله آنها می‌توان به نسخه‌های متعدد «کلیله و دمنه» و «انوار سهیلی» اشاره نمود. در پاره‌ای از نسخه‌های «جامع التواریخ» نیز نقاشی‌هایی از داستان‌های «حضرت محمد (ص)» و اصحاب او و بودا وجود دارد. در معماری نیز بوداییان سبک «گندهره» را پدید آوردند که در معماری خاورمیانه، به ویژه سرزمین شام و آسیای صغیر، اثری ژرف برجای نهاد. نمونه‌ای از آن که به عنوان تزیینات ساختمان و مجسمه‌های نیمه





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

برجسته بر دیوار به سبک معماری «قراسرا» برشمرده می‌شود، منسوب به «بدرالدین لؤلؤ» در موصل و از مشخصه‌های بارز هنر بودایی است (تصویر ۷).



تصویر ۷- نقاشی بدرالدین لؤلؤ واقع در موصل

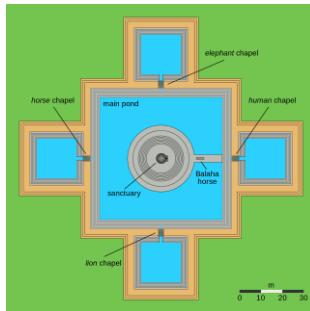
[https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/9/9b/Badr\\_al-Din\\_Lu/۲۷۷۷/۲۷.jpg/۴۴۰px-Badr\\_al-Din\\_Lu/۲۷۷۷/۲۷.jpg](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/9/9b/Badr_al-Din_Lu/۲۷۷۷/۲۷.jpg/۴۴۰px-Badr_al-Din_Lu/۲۷۷۷/۲۷.jpg)

آنچه مشهود است، برخی بن‌مایه‌ها در آسیا مشترک است که مفاهیم و عقایدی چون جوانی، بی‌زمانی و ناگزیری را در برمی‌گیرد. همانطور که در آیین بودا، این اعتقاد وجود دارد که زندگی یک فرآیند بی‌وقفه و منجر به زایشی دوباره است و روح پابرجاست، مفهوم رستگاری و هدایت به سوی تعالی چالشی است که در تمامی مکاتب دینانه‌گر آسیا به خصوص شرق حضور دارد. آیین بودا در تاریخ آسیا مقام یکه‌ای دارد، زیرا تنها تجربه مشترک نیمی از جمعیت جهان است. این آیین هزارسال ابتدای حیات خود را در زادگاهش هند شکوفا بود و پس از گسترش از نپال و تبت (به لحاظ جغرافیایی بین هند و چین مشترک است) تا نواحی آسیای جنوبی، توانست جایگاه خود را در اکثر فرهنگ‌ها و عقاید دینی سازگار کند. این مهمترین ویژگی آیین بودیسم است که توانایی تکامل سایر باورها را در خود داشت. حتی خدایان و الهگان هندو به خصوص شیوا، کیش بومی شین تو در ژاپن و حکیم جادوگران شمنیسمی نیز از این دین تبعیت کردند. حضور این دین نگارگری بودایی با اتکا بر تمثال‌های نمادین محور، ساخت بنا و معماری‌های وابسته به بن‌مایه‌های بودایی و ابزار و اشیا وابسته را در کنار مراسم و آیین بر فرهنگ و سنت‌های محلی هر سرزمین تجسم بخشید.

از جمله نمادهای مهم به کار رفته در نقوش به دست آمده، عنصر «چرخ» به معنای روشن‌شدگی بودا و نخستین گفتار او و پس از آن نمادهایی برگرفته از طبیعت مانند گل نیلوفر، صاعقه (وَجْرَه)، گوهر آرزو (چینتامنی) و درخت بودی، از موثرترین شمایل باقی مانده از نشانه پیروزی بودا بر پندار و نیروانگی او بود. سوای این نقوش، کیهان‌شناسی بودایی کوهی است به نام «مرو» که هفت سلسله جبال گرد هم مرکز گرفته و با هفت اقیانوس از هم جدا شده‌اند و کل این عالم توسط دیوارسنگی قلمرو انسان را شامل شده است. این تصور طبقات هفتگانه آسمان و مراحل هفتگانه عرفان و معنویات تعالی گونه‌ای است که در ادیان اسلامی نیز حاکم است شامل می‌شود. سعی در قراردادن یک میل در معابد تحت عنوان محور عالم، همچون مناره و تالارهای وعظ و خطابه عناصری است که در معماری مساجد و زیارتگاه‌های اسلامی به ویژه حرم مطهر امام‌رضا(ع) بازآفرینی شده است. بلند پروازانه‌ترین بخش حضور بودیسم در این نمونه از معماری اسلامی، حضور حوض‌های آب با سطح مقطع‌های چهارگانه است که می‌توان آن را برگرفته از خاستگاه چهار رود مقدس که «جَمبُودِیپه» را مشروب می‌کردند و



تمثیل از برکه‌ای است که زائر را به سوی رستگاری هدایت نموده و بهشت را بازسازی می‌کند (تصویر ۸ و ۹)، (فیشر، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۵).

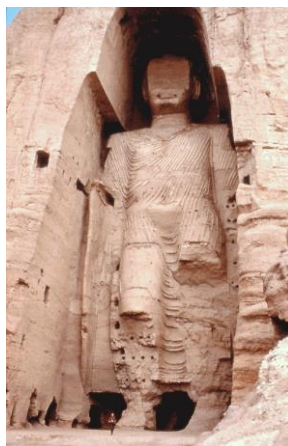


تصویر ۸ و ۹- چشمه آب حیات، جزیره مصنوعی و برکه نئاک پوآن واقع در نزدیکی کامبوج، قرن سیزده

[https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/e/e8/Neak\\_Pean\\_layout.svg/1160px-Neak\\_Pean\\_layout.svg.png](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/e/e8/Neak_Pean_layout.svg/1160px-Neak_Pean_layout.svg.png)

## ۷. معماری بودایی:

بناهای بودایی دونوع کلی را شامل می‌شوند: ساختمان هایی با تسهیلات گوناگون جهت بقا دیر و حفاظت از پیکره ها و رهروان دینی و دیگری «خودآن پرسته» است که به آن «استوپه یا پاگودا» گفته می‌شود و معروف‌ترین نمونه‌های بودایی است. اگرچه نمونه‌های دیگری همچون عزلتگاه کوهستان، نمازگاه‌هایی به نام «چیتیه» یا شی مقدس و همچنین «ویهاره» یا بهارها (اقامتگاه رهروان) نیز از جمله این بناهای معروف می‌باشند. به طور کلی مهمترین رسوم در صورت‌های مختلف بنا، نیایش بودایی و طواف در فضای استوپه‌ها یا پاگوداها است و تالار آیین، وعظ و خطابه رانیز شامل می‌شد. بیشترین نمونه های مختلف این‌گونه نیایشگاه‌ها در نقاط مختلف سرزمین چین گسترده شده است، اما آثار حضور این معماری و تفکر در هنر اسلامی نیز به خوبی مشاهده می‌شود. یکی از نمونه‌های مشهور حضور بودا در سرزمین خراسان قدیم، عزلتگاه و پیکره ۵۸ متری بودا در «غارکند» بامیان افغانستان است که متأثر از معماری یونانی و بودایی است (تصویر ۱۰). «عنصری» در شعری حکایت سرخ بُد و خنک بُد (نام دو بت بامیان) را روایت کرده‌است. ابوریحان بیرونی نیز این حکایت را با «صنمی‌البامیان» به عربی ترجمه کرده‌است (فیشر، ۱۳۹۰: ۳۰).





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

تصویر ۱۰- صلصال یا گل خشکیده، تندیس بزرگ مجسمه بودای عظیم، واقع در منطقه باستانی بامیان افغانستان، قرن ۵ و ۶.

[https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/۴/۴۶/Buddha\\_of\\_Bamiyan.jpg](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/۴/۴۶/Buddha_of_Bamiyan.jpg)

اگرچه بیش از دوقرن از حیات دین بودایی می‌گذشت اما «گریدون» که شاه قدرتمند سلسله آشوکا بود توانست به سبب فرمان‌هایی که بر میل‌های سنگی و چوبی نگاشته شد (بر اساس آرمان‌های محور عالم)، از بنگال تا افغانستان را تأثیرگذار و وجوه کیهان‌شناختی آیین بودای کهن را به الگویی برای گسترش این دین در سراسر آسیا تبدیل کند. از نمونه‌های این سبک، تاج میل‌ها و سرستون‌های گلبرگ نیلوفر است که روی آن‌ها سوژه‌های هندی‌گاو، فیل و شیر ترسیم شده و آمیزه‌ای از سبک دودمان «مئوریه» و فرم‌های اسلوب‌دار و تزیینات طبیعت‌گرایانه جانوری ایرانی است. درهم شکستن شاهنشاهی ایران به دست اسکندر کبیر و تجزیه جامعه (که اندکی قبل از دودمان مئوریه رخ داد)، نگارگران ایرانی را بر آن داشت که گوهر خود را پس از گشایش جاده ی ابریشم به دست خریداران چینی و هندی برسانند. همان طور که سرستون‌های آشوکا به عنوان کهن‌ترین پیکرتراشی بودایی هند پدید آمد، اسکندر با حمایت او از «غارکند»، به کهن‌ترین معماری بودایی انجامید و چند غار با اندازه‌های متعادل در شهر «بهار» نخستین نمونه‌های چیزی بودند که به شکل یکی از شاهکارهای مهندسی و هنری بزرگ هند توسعه یافت. با این رویداد، کندن نیایشگاه‌های یادمانی در دامنه کوه‌ها به آیین بودا و آسیای شرقی و میانه راه یافت (فیشر، ۱۳۹۰: ۳۵-۴۰).

## ۸. نقش مایه‌های پرتکرار و مشترک در هنر بودا و خراسان:

### ۸-۱. سرو و درخت بودهی:

نماد «درخت» و «سرو» از جمله عناصر پرتکرار در نزد هنرمندان ایرانی است که در آثار سفالی، منسوجات، نقاشی و حتی حجاری‌ها (با قدمتی بیش از ۱۵۰۰ سال) به فراوانی یافت می‌شود. قدیمی‌ترین گونه این شمایل که همچنان جایگاه مقدس و احترام‌آمیز خود را نزد هنرمندان حفظ نموده‌است؛ نقوش درخت سرو بر روی قالیچه‌های بلوچ خراسان که به قالیچه‌های سجاده‌ای بلوچ شهرت دارند دیده می‌شود. نمونه‌های دیگری تحت عنوان «برگ تاکی» نیز موجود است که در بازار مشهد، تربت‌جام، تربت‌حیدریه و خواف<sup>۲</sup> بیشتر دیده می‌شود که این نمونه‌ها عمر کمتری دارند. بلوچ خراسان در حال حاضر تنها بافندگان نقش درخت سرو و تاک بر روی قالیچه‌های منطقه هستند که از دوره زرتشت و پس از آن با قدری تغییر پس از ورود نمادهای بودایی با رنگ و تزیینات بیشتر، در روستای «فریومد» و «کشمیر» از توابع توس و عشایر خراسان مرکزی بر روی بافته‌های خود منتقل می‌کردند (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

درخت سرو در نگاه خاورمیانه، هندوستان و چین نیز نماد جاودانگی و حیات پس از مرگ است. همچنین درخت انجیر (درخت تنویر) و نخل از گیراترین تصاویر درختان مافوق‌الطبیعی هستند و زمانی که بودا به حالت خارج از جهان مادی در می‌آمد زیر آن می‌نشست (هال، ۱۳۹۸: ۲۸۵).

### ۸-۲. نماد قدمگاه (اثر پا):

<sup>۲</sup> ناحیه ای که امروز در خراسان به نام خواف شهرت دارد در زمان ما قبل حضور اعراب بزرگترین مراکز حضور زرتشتیان در شرق ایران بوده است.



یکی دیگر از اندیشه های انسانی که علاوه بر هنرهای مختلف از عصر نوسنگی تا کنون بر جای مانده است، تقدس و تیمن قدمگاه‌هاست که از اولین ردپای انسانی بر زمین و فضا گرفته تا ظهور نشانه‌ای منسوب به قدیسین و بزرگان دین در تاریخ پیدایش آن‌ها قابل تأمل است. ثبت و نگهداری از این قدمگاه‌های ثابت و سیار، به تدریج به سایر ادیان به‌ویژه اسلام به عنوان یک نماد مقدس سرایت نمود و مهمترین نمونه آن‌را در قدمگاه امام رضا (ع) در شهرستان زبرخان واقع در ۲۴ کیلومتری شهر نیشابور می‌توان دنبال کرد<sup>۲</sup>. به دلیل تکرار و تکثر از این نماد در (جدول ۸-۱)، نمونه‌های مشهورتر موجود از این گونه قدمگاه‌ها به صورت موردی جمع‌آوری شده‌است:

جدول ۸-۱: معروف‌ترین نمونه‌های قدمگاه در تمدن بودا و خراسان

دوره	قدمگاه	دوره	قدمگاه
آخرین قدمگاه بشر مربوط به اولین فضاورد ناسا که بر کرده ماه قدم گذاشت		اولین قدمگاه بشر بازمانده از دوره نوسنگی	
قدمگاه بودا در ژاپن		قدمگاه منسوب به بودا قندهار، دره سوات پاکستان سده دوم یا سوم پ.م	
قدمگاه بودا در هند		قدمگاه بودا یافت شده از گذرگاه خیبر (استان پختن خواه)	
قدمگاه امام رضا در تکیه معاون الملک کرمانشاه		قدمگاه امام رضا در نیشابور	

ماخذ: (ایزدی دهکردی، ۱۳۹۸: ۷۱-۷۴)

<sup>۲</sup> امام رضا (ع) هنگام مهاجرت خود از مدینه به مرو (مشهد امروزی) در این شهر توقف نمود و روایت است چون خواست با آن خاک تیمم کند، آبی از آن جاری شد.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

سر و پا، با توجه به معیار ارزشهای ماوراءالطبیعی که هندیان آن را به بخش‌های مختلف بدن نسبت می‌دهند به ترتیب از بالاترین و پایین‌ترین مراتب پرستش هستند. نشان دادن اثر پاهای بودا، به انضمام سایر نمادها یا بدون آن‌ها، یکی از راه‌های غیر تمثیلی حضورش در نخستین مرحله هنر بودایی محسوب می‌شود. نشانه چرخ قانون نیز در کف پای بودا، تمثیلی از عدد هشت و البته گاهی آن‌را نماد عدد هفت می‌دانند که در هر صورت پرستش پاهای بودا از این زمان آغاز شد و شستن پای زائران، نخستین عمل نمادین مهمانداری در صومعه‌ها و بعده‌ها زیارتگاه‌های اسلامی و ایرانی شد. بطور کلی مراتب بروز و ظهور قدمگاه‌ها در جهان اسلام همواره وجود داشته است اما خارج از جهان اسلام در هند که مرکز عمده ساخت زیارتگاه‌ها و قدمگاه‌های ثابت و سیار است، توانست توسط آیین بودایی در مناطق تحت سیطره خود نیز گسترش یابد (هال، ۱۳۹۸: ۲۳۲). برخی از قدمگاه‌های موجود در ایران نیز اگرچه متأثر از فرهنگ هندی ساخته شده است اما پس از اسلام همچنان ارزش و منزلت معنوی خود را حفظ نموده‌اند. از جمله نشانه‌های آن می‌توان از نگاره «قدمگاه» فالنامه تهماسبی از دوره صفوی نام برد که بر اساس الگوها و نمادهای سبک هندی و تلفیقی از نقوش و شمایل اسلامی آراسته شده است (تصویر: ۱۰).



تصویر ۱۰: نگاره قدمگاه امام رضا (ع)، فالنامه تهماسبی

مأخذ: (ایزدی دهکردی، ۱۳۹۸: ۷۷)

## ۸-۳. طلا:

طلا جلوه‌گر رنگ خورشید و خدایان است که نشانه تنویر بودا و نماد ماهیت خود بودا به شمار می‌رود و در طراحی و تزیین امام‌زاده‌ها و حرم مطهر امام رضا (ع)؛ این مهم افزوده شده است؛ درحالی‌که در هنر اسلامی تزیینات و طلاکاری در مساجد و مقابر جایگاه و تقدسی نداشته است.

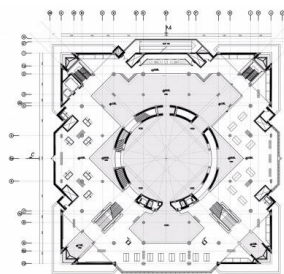
## ۸-۴. عصا:

یکی از نشانه‌های مهم هنر بودایی تانتری و شیوایی است، که منشأ آن به ارتباط آیین قربانی و افزودن مجموعه سر حیوانات و انسان بر استخوان ساق پا یا بازوی آدمی دلالت دارد. امروزه این عصا که به تفکرات آیینی اسلامی، نشانه عزت و پادشاهی حضرت رضا (علیه السلام) بوده و متعلق به حرم آن بزرگوار است، به عنوان نمادی متبرک (توتم)، توسط زائران لمس و بوسیده می‌شود تا از آن تبرک جویند.



## ۸-۵. هشت ضلعی و چرخ هشت پر (چرخ دارما):

نماد بنیادی چرخ با هشت پره به منزله چرخه حقیقت و نگرش نظم توسط بودا است. پره‌های چرخ از راه‌های رسیدن به حقیقت تعریف شده است. در بخش آینه نیز این مورد مجدد تکرار می‌شود. همچنین نماد ماندالا، ریشه یافته از چرخ قانون یا دارما است. در قالب این چرخ نیروانا تلاش می‌کند، نیروهای شر و مضر و بیماری‌ها را بزدايد و با خود به چرخش در آورد. از سوی دیگر این فرم دایره ای شکل، چرخه حیات و زندگی بشری را تفسیر می‌کند. باور به تناسخ از ریشه‌های فکری این آیین و بروز آن با چرخ قانون مطابقت دارد. در هنر اسلامی سرزمین توس، نمونه‌های معماری امام زادگان و بطور خاص حرم امام رضا (ع)، از ویژگی هشت ضلعی، هشت تالار و برش‌های هشت گانه تاق‌ها و سطح مقطع بیشتر حوض‌ها و ستون‌ها را شامل می‌شود. طراحی گنبدی‌ها و مناره‌ها نیز از این اصول هندسی تبعیت می‌کند که بی‌ارتباط به چرخ دارما نیست. یکی از نمونه‌های بارز این معماری شاهکار گنبد و ساختمان هشت ضلعی کاخ خورشید است (تصویر ۱۱ و ۱۲).



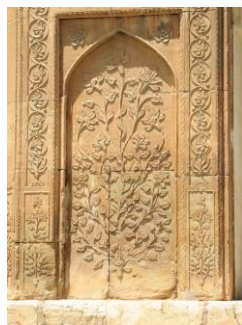
تصویر ۱۱ و ۱۲- سطح مقطع گنبد کاخ خورشید، کلات نادری، دوره افشاریه

[https://hipersia.com/mi\\_ax/Original/۱۳۹۷/۰۹/۴۹۵۸.jpg](https://hipersia.com/mi_ax/Original/۱۳۹۷/۰۹/۴۹۵۸.jpg)

## ۸-۶. گل نیلوفر:

«گل نیلوفر» یا ناهید در اساطیر کهن ایران و روایات مذهبی، تصویری از مادینگی در هستی و نشانه زرتشت می‌دانستند که بی‌ارتباط با آیین مهرپرستی نبوده است. از جهاتی دیگر در اعتقادات بوداییان هندی نیز گل زندگی و به دلیل میوه کاج ماندی که از آن بیرون می‌آید و شناور بودن آن بر سطح آب که به مثابه زهدان عمل می‌کند، مرکز زایش «چلیپا» و خدای آفریننده است (هال، ۱۳۹۸: ۳۰۹). یکی از بهترین نمونه‌های موجود از استفاده‌های فراوان این نماد در هنر خراسان می‌توان به حواشی سر در ورودی «کاخ خورشید» واقع در کلات نادری اشاره کرد (تصویر ۱۳ و ۱۴).

در تعلیمات بودا، نیلوفر تا حد زیادی وارد قلمر ماوراءالطبیعه می‌شود و عامل ذات پاک جوهر طبیعت بشر است که دایره بی‌پایان تولد مجدد، یا جهل بشر آلوده نمی‌شود. نیلوفر این نمادگرایی را با چرخ قانون نیز دارد و نماد بهشت بودایی است. به همین دلیل در معابد بودایی، در وسط سقف‌ها مزین به این عنصر است. پاگوداهای هشت ضلعی و تندیس‌های بودایی نشسته بر تخت از گل نیلوفر مجسم شده‌اند (هال، ۱۳۹۸: ۳۱۲). همچنین این گل، جزء هشت علامت فرخندگی در کف پای بوداست. بدیهی است که استفاده مکرر از این نماد، پس از دوره اشکانیان در سفالینه‌ها و نقش برجسته‌های نیشابور و کلات و حتی حرم مطهر، از جمله پرنگ تر شدن باور به این مقدس است.



تصویر ۱۳ و ۱۴- نقوش برجسته گیاهی کاخ خورشید، کلات نادری

<https://fa.tripvar.com/uploads/picture/۱۷۵۴/kalat-۱۰.jpg>

## ۷-۸. گوزن یا غزال:

این حیوان برای اقوام هند، صورتی از آنو (خدای آسمانی بین‌النهرین) و آدمی با شاخ‌های گوزن و برابر با مجسمه هرکول نماد شکارچی برابری می‌کند. اما نباید آن را با واژه غزال برابر دانست. به نظر می‌رسد تقدس این حیوان نه تنها در تعالیم و هنر بودایی آشکار و محفوظ است بلکه جایگاه خود را در داستان‌های مذهبی ایرانی-اسلامی نیز باز نموده‌است. بودا، گاهی به صورت غزال نشان داده می‌شود که می‌گویند در تجسم‌های گوناگون، خود را به این شکل در می‌آورد. داستان شفاعت آهو از دست شکارچی توسط حضرت رضا (ع) برگرفته از این باور است (هال، ۱۳۹۸: ۷۱).

## ۸-۸. چراغ دان و قندیل یا ظرف خاکستر مردگان:

از دیرباز حضور ظروفی نقره کوب یا مزین به جواهرات، که خاکستر مردگان به نشانه تجدید حیات و رستاخیز، در آن محافظت می‌شد؛ با حضور فرهنگ بودیسم بر پیکره هنر خراسان، جایگاه خود را به چراغ‌دان و قندیل‌های معرق برای روشنایی و عوداندود کردن و عطرآگین شدن اماکن مقدس، ابنیه و مقابر داد.

## ۹-۸. معبد و زیارتگاه:

معبد، مساجد و زیارتگاه‌ها در ایران همچون باور میترایسیم و بودیسم به عنوان جایگاه خدایان و نماد آسمان-کیهان است که مرکز و محور جهان به شمار می‌رود. به همین دلیل بر روی آن ستون‌های حجاری شده و گیاهانی که سر به آسمان کشیده‌اند همواره به چشم می‌خورد (همچون نمونه‌های بارز کاخ خورشید و حرم مطهر). همچنین گنبدی‌ها و سقف‌های مزین به نقوش هندسی در این اماکن نیز بر اساس ماندالا و قواعد هشت گانه چرخ قانون (بودیسم) استوار است.

## ۱۰-۸. مناره و استوپا:

در آیین سانو و هنر سنتی بودا، استوپا نشانه ۵ عنصر حیات (آب، هوا، فضا، آتش، زمین) بود که ذهن توسط دست یافته به روشنایی را بیان می‌کرد. این شیوه معماری در معماری اسلامی مساجد رخنه کرد و به شکل مناره امروزی پدیدار شد. از بهترین نمونه‌های مناره که به سبک استوپا و سطح مقطع هشت ضلعی ساخته شده است، می‌توان به مناره میل کرات در ۲۵ کیلومتری شهر تایباد، اشاره کرد (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵- مناره میل کرات در ۲۵ کیلومتری شهر تابباد

[https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/a/ab/GUIDING\\_TOWER.jpg/۵۰۰px-GUIDING\\_TOWER.jpg](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/a/ab/GUIDING_TOWER.jpg/۵۰۰px-GUIDING_TOWER.jpg)

## ۸-۱۱. ناقوس، نی و نقاره:

در معابد بودایی برای راندن ارواح خبیثه و اعلام مراحل خدمت از ناقوس مدور استفاده می‌شد. نی نیز از ابزارهای موسیقیایی با کهن باوری از تشبیه به آلت نرینه، به عنوان نماد تمایلات جنسی محسوب می‌شد. جنبه‌های شبانی و در یوگا و تمرین‌های مراقبه بودیسم، عنصر کیمیاگر و رامشگر نیز تعریف می‌شود. یکی از نمونه‌های بارز تلفیق این موسیقی معنوی با دین اسلام، آیین نقاره‌زنی در حرم امام رضا(ع) است که نشان جلال، شکوه و شادمانی است.

## ۸-۱۲. حوض:

حوض و حوضچه‌های فواره‌دار، سرچشمه آب حیات که میان بهشت و تخت خداوند جاری است و از اسطوره‌های بین‌النهرین و کهن‌الگوهای بودایی است. وقایع دینی، نظیر مساجد، زیارت‌گاه‌ها و مغابر از این نماد در جهت نمادی کاربردی به منظور تطهیر و زدودن شیاطین از پیکره انسان مومن، بهره‌مند شدند.

جام چهل کلید یا چهل بسم الله و کاسه گدایی: شیوه زندگی بودا از طریق جمع آوری غذا از مقدار کمی خوراکی است که دیگران در کاسه آن‌ها می‌گذارند. وجه تمایز آن با نمونه‌ای که به آن جام (کاسه) چهل کلید، گفته می‌شود و قدمت آن به دوره صفوی بازمی‌گردد؛ در نوع کاربرد آن است. این ظرف که معمولاً از برنج یا نقره بصورت معرق کاری شده است و از چهل آیه قرآن که با «قل» آغاز شده باشد در طراحی آن استفاده شده است و امروزه یکی از سوغات‌های مشهد به شمار می‌آید. درون این ظرف با هشت کتیبه و هشت فرم اسلیمی مزین شده است و نام ۱۴ معصوم بر آن نقش بسته که نشان از تأثیر بر تشیع است. مشهور است که نوشیدن آب با این ظرف به دفع شیاطین و طلسم مؤثر است و بر آن دعا می‌گیرند. نمونه‌ای از این ظرف موجود است که در میان آن یک دست ایستاده به نشانه ۵ تن وجود دارد و معتقدند اگر از این ظرف آب بر سر نوزاد ریخته شود، باعث چله بری و دفع جن و شیطان می‌گردد.

## ۸-۱۳. آینه:

آینه یکی از سه شی مقدس مربوط به نشانه‌ها و علایم امپراتوری ژاپن است و در تصور عموم به ویژه خاور دور، دارای خواص جادویی است. در آینه شخص می‌توانست آگاهی مختصری از همه دانش‌ها به دست آورد و حتی به درون روح خود بنگرد. آینه می‌توانست ارواح خبیثه را هم در این جهان و هم در جهان دیگر دور کند، به همین دلیل در مقابر آن‌را در کنار مردگان می‌گذارند یا هنر آراستن با آینه که در سلسله‌ها تکامل یافت برای محافظت از خود به کار می‌برند. به اندیشه و باور اسلامی، آینه صفت ویژه احتیاط از فضایل اصلی و بیانگر حقیقت است. همچنین مظهر عیب‌های مانند غرور، خودپسندی





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

و شهوت (هفت گناه بزرگ) و همچنین بینایی (دایره) که از مهم‌ترین حواس پنج‌گانه است. این هنر در طراحی رواق‌ها و تالارهای حرم امام رضا (ع) بیش از سایر اماکن مشهود است.

## ۸-۱۴. سواستیکا (چلیپا):

این نماد به معنای خوشبختی و نماینده چرخ گرداننده خورشید (خدا) است. برخی آن‌را نماد روشنایی، حاصلخیزی و یکی از نمادهای روی پای بودا به نشانه خوشبختی دیده می‌شود. در چوبکاری‌های شرقی و سفالینه‌های نیشابور و همچنین پارچه‌های ابریشمی به کرات استفاده شده است که حاکی از آرزومندی جهت عمری سولانی و سعادت آمیز است. که به دلیل اهمیت و گستردگی مفهوم به بیش از این دلالت دارد. اما مهم است که توجه شود، نمونه خلاف حرکت عقربه ساعت، مربوط به بودایی و تاوئی‌ها می‌باشد. سفالگران شهر سوخته (حوالی سیستان و افغانستان کنونی)، نقش مایه چلیپا را به طور گسترده در زینت سفال‌ها استفاده کرده‌اند و آن را به فرم‌های متنوع (چلیپای کامل، نیمه چلیپا)، در تزئین بدنه و لبه سفال‌ها به کار برده‌اند (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶- نقش مایه چلیپا در زینت سفالینه‌های نیشابور

<https://files.virgool.io/upload/users/۱۰۶۶۶۲۱/posts/egtnhabfgvbp/sn۹uejihjvth۴.jpeg>

گورهای خمره‌ای از دوره اشکانی به دست آمده که در میان آن‌ها تکه پارچه‌ای بسیار زیبا با این نقش دیده می‌شود. این نقش بر لبه این خمره‌ها نیز کار شده است. اشیایی با نقش گردونه مهر نیز از قبور دوره اشکانی نیز کشف شده است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۷- نقش مایه چلیپا در زینت پارچه‌های ابریشمی در دوره اشکانی، خراسان

<https://files.virgool.io/upload/users/۱۰۶۶۶۲۱/posts/egtnhabfgvbp/vis۲jr۵flani.jpeg>

در زمان ساسانیان نیز، چلیپا به عنوان نمادی اصلی، در تزئینات گچبری کاخ‌ها به کار برده می‌شده است. از جمله در طاقچه‌های ویرانه کاخ چلیپا گونه ساسانی در نیشابور، گچبری‌هایی با نگاره چلیپا و چلیپای شکسته دیده می‌شود (تصویر ۱۸).





# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

تصویر ۱۸- نقش ماه چلیپا در زینت گچبری های نیشابور

<https://files.virgool.io/upload/users/106627/posts/egtnhabfgvbp/hclvwcvnrrvp.jpeg>

نمونه دیگر از کاربرد این نماد یک کاشیکاری مربوط به دوره سامانیان است که از نیشابور به دست آمده است و هم اکنون در موزه متروپولیتین نگهداری می شود (تصویر ۱۹)، (رضالو و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵-۲۴).



تصویر ۱۹- نقش ماه چلیپای ۴ پر و ۸ پر در کاشیکاری دوره سامانیان، نیشابور

<https://files.virgool.io/upload/users/106627/posts/egtnhabfgvbp/۳bk۸rnqfimvi.jpeg>

## ۹. نتیجه گیری:

گستره هنر در منطقه خراسان بزرگ در طول تاریخ شکل گیری و تحولات آن به شکل پیاپی دستخوش تغییرات بوده است؛ اما این واژه به گونه ای پیوسته و محکم با اعتقادات و باورهای مردم پیوند خورده است. تجارت و سیاست گذاری دولت های متعدد؛ هرگز نتوانستند جایگاه و ریشه مذهبی-آیینی این سرزمین را بزدايند و حتی هنر دینی همچنان جایگاه خود را حفظ نموده است. با این وجود، موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی خراسان و همجواری آن با کشورهای متعدد در زمان ظهور راه ابریشم باعث تبادل اندیشه، مذهب، فرهنگ، هنری و... شد و این تغییر اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. حضور اقوام مغول، تعصبات شاهان ساسانی و بیش از همه حضور اسطوره بودا تا قبل از اینکه این سرزمین به عنوان قطب اسلامی ایران مورد توجه قرار بگیرد، از دیگر مواردی است که باعث دگرگونی های متعددی در تاریخ هنر شرق گردید.

در این مقاله به بررسی و واکاوی نمادهای دینی مشترک بودایی و نشانه های تصویری موجود و مشابه در هنر شرق، از آغاز دوره مکتب خراسان پرداخته شد. سرزمینی که با شکل گیری و روی کار آمدن امپراتوری بزرگ اشکانیان قدرت گرفت و تا به امروز به واسطه تجلی یافتن هنر مقدس در معماری و اشیاء حرم مطهر امام رضا (ع) قابل ردیابی است. بنابر آنچه رفت می توان عوامل احتمالی تأثیرگذار بر هنر منطقه، از جمله رویدادهایی که پس از تحولات یادشده به بودا و تاثیر آن بر سایر ادیان و هنرها مرتبط و وابسته اند و گاهی به صورت عنصری نمادین یا آیینی بازآفرینی شده اند به نمونه های زیر اشاره کرد:

- مسئله زیارت در سراسر سرزمین های متأثر از بودا به شکل یک عمل بنیادی دینی و نه تنها نمادین مبدل شد.
- بسیاری از پیکره و نقش برجسته ها به آرایش و نمادی مناسب جهت ایجاد فضای متبرک و کسب موقوفات مبدل گردید.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

- اولین گونه‌های ترکیبی پیکره‌های عظیم بودا مرتبط به مناطق شمال غربی پاکستان کنونی (خراسان قدیم) و افغانستان است.
- عنصر حجم و پیکره به سبب حضور اسلام و ممنوعیت مجسمه و تندیس، جای خود را به خوشنویسی و کتابت و کاربرد مفصل آن در کاشی‌کاری داد و هنر گنداری و گچ‌بری و نقش برجسته سفالی، زائران را به سوی خود کشید.
- گرایش ساکنین منطقه به هنر بودایی و در عین حال پذیرش باورهای مذهبی با ریشه اسلامی، دینی جدید را پایه گذاری کرد که دچار اختلاط و تلفیق شد. این مهم باعث پدیدار شدن هنر ترکیبی ایرانی-بودایی-اسلامی گردید.
- وجود افسانه‌ها و داستان‌های گوناگون در متون بودایی (حتی در دوره زندگانی بودا) در باب خواهش پیروان برای کسب اجازه استفاده از تصویر بودا در هنگام نیایش و مراقبه باعث جذب مخاطبان بیشتری از سایر سرزمین‌ها و بلادهای وابسته گردید. این مسئله سبب پدیدار شدن چهره بودا در نسخ تصویری، حجم برجسته، سفالینه و نقوش پارچه و فرش گردید.
- فرش‌های منقش به نمادهای بودایی-اسلامی در خاف و مرو بهترین نمونه‌های موجود از این اختلاط است.
- بیشترین تأثرات بودایی بدون شک، بر مراسمات و آیین مذهبی صورت گرفت؛ اگرچه به دلیل احتیاج به اسباب زیارت و سلوک معنوی بر لوازم و ضروریاتی نظیر، اشیاء مقدس، در و دیوارهای مزین شده با عناصر نمادین، حوض و لوازم تطهیر، ظروف با کاربردهای خاص، آینه‌کاری، گچ‌بری، کاشی‌کاری و به خصوص معماری نیز افزوده شد.

## ۱۰. مراجع:

### منابع فارسی:

۱. جمشیدپور، شادی و خرازیان، لاله. (۱۳۹۹). تحلیل روانشناسی دینی در نمادهای تصویری شمنیسم استرالیا. نخستین کنفرانس ملی علوم شناخت و تعلیم و تربیت دانشگاه پیام نور استان فارس.
۲. جمشیدپور، شادی و خرازیان، لاله. (۱۳۹۹). رمزگشایی نمادهای تصویری ادیان شمنی در رمان مصور لحظه‌ی ورود شان تر بر اساس دیدگاه میرچا الیاده. دومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه دانشگاه پیام نور استان فارس.
۳. جمشیدپور، شادی. (۱۳۹۸). تحلیل رابطه ضمیر ناخودآگاه جمعی بومیان استرالیا در نشانه‌های تصویری رمان مصور لحظه‌ی ورود اثر شان تن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تصویرسازی. مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد.
۴. ایزدی دهکردی، سیده مریم. جعفری دهکردی، ناهید. (۱۳۹۸). نماد و نمون قدمگاه در تاریخ شرق، با تأکید بر نگاره قدمگاه فالنامه تهماسبی. نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی. دوره ۲۴. شماره ۲.
۵. هال، جیمز. (۱۳۹۸). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. (ترجمه: دکتر رقیه بهزادی). تهران: فرهنگ معاصر.
۶. شریفیان ثانی، عاطفه. (۱۳۹۵). دین‌شناسی مقایسه‌ای ویلیام جیمز و کارل گوستاو یونگ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، تهران.
۷. بیکر، جان استنلی. (۱۳۹۴). هنر ژاپن. (مترجم: نسترن پاشایی). تهران: فرهنگستان هنر.
۸. هاشمی، غلامرضا. ۱۳۹۴. نقش خراسان در تعامل هنر قبل و بعد از اسلام و تبلور آن در سفالینه‌های نیشابور. همایش ملی نقش خراسان در شکوفایی هنر اسلامی، مشهد.



# نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

۹. ولایتی، رحیم. (۱۳۹۳). تحلیل تأثیرپذیری امپراطوری موریایی هند از هنر معماری هخامنشیان. فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان. سال ششم. شماره نوزدهم.
۱۰. فیشر، رابرت. ای. (۱۳۹۰). نگارگری و معماری بودایی. (مترجم: ع. پاشایی). تهران: فرهنگستان هنر.
۱۱. پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۶). تاریخ ایران (از آغاز تا انقراض ساسانیان از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه). تهران: انتشارات بهزاد.
۱۲. بیکر، پاتریشیا. (۱۳۸۵). منسوجات اسلامی. (مترجم: دکتر مهناز شایسته‌فر). تهران: مؤسسه هنر مطالعات اسلامی.
۱۳. دورکیم، امیل. (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی. (ترجمه: باقر پرهام). تهران: انتشارات مرکز.
۱۴. عطار، محمدبن ابراهیم. (۱۳۶۸). الهی نامه. نشر افست: تهران.
۱۵. سمنانی، احمدبن محمد علاءالدوله. (۱۳۶۲). العروۃ لا هل الخلوۃ و الجلوۃ. نشر هروی: تهران.
۱۶. رضالو، رضا و آیرملو، یحیی و میرزاآقاجانی، اسدالله. (۱۳۹۲). مطالعه سیر تحول نقوش چلیپایی در تزئینات معماری دوره اسلامی و زیبایی‌شناسی و نمادشناسی آن. نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، شماره ۱، صفحه‌های ۱۵-۲۴.